

محمد شریفی

فردبان آسمان

گزارش کامل مثنوی به نثر

ویراستار

محمد رضا جعفری

فرهنگ نشر نو

با همکاری نشر آسیم

تهران، ۱۳۹۹

فهرست

(برای فهرست تفصیلی مثنوی نگاه کنید به انتهای مجلد دوم)

﴿ مجلد اول ﴾

ادای دین و عرض سپاس.....	یک
سخنی با خواننده.....	پنج
در باره مولانا و مثنوی.....	پانزده
دفتر اول.....	۱
دفتر دوم.....	۲۶۹
دفتر سوم.....	۵۰۹
دفتر چهارم.....	۸۱۷
دفتر پنجم.....	۱۰۶۷
دفتر ششم.....	۱۳۴۱

﴿ مجلد دوم ﴾

پیوست (پیشینه قصه‌ها و تمثیلات مثنوی).....	۱
کتاب‌نامه.....	۳۷۷
نمایه پیشینه قصه‌ها و تمثیلات مثنوی (نامهای خاص).....	۳۸۳
نمایه آیات.....	۳۹۹
نمایه احادیث و اخبار و روایات.....	۴۰۹
نمایه موضوعی.....	۴۲۳
فهرست تفصیلی مثنوی.....	۵۲۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هذا كِتَابُ الْمَثْوَى وَهُوَ أُصُولُ أُصُولِ الدِّينِ فِي كَشْفِ أَسْرَارِ الوُصُولِ وَ اليَقِينِ؛ وَ هُوَ فِقْهُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ وَ شَرْعُ اللَّهِ الْأَزْهَرُ وَ بَرهَانُ اللَّهِ الْأَطْهَرُ؛ ﴿مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكُوهٍ فِيهَا مِضْبَاحٌ﴾^١ يُشْرِقُ أَشْرَاقاً أَنْوَرَ مِنَ الْإِصْبَاحِ، وَ هُوَ جَنَّاتُ الْجَنَانِ، ذَوَالْعُبُونِ وَ الْأَغْصَانِ، مِنْهَا عَيْنٌ تُسَمَّى عِنْدَ أَبْنَاءِ هَذَا السَّبِيلِ سَلْسَبِيلاً، وَ عِنْدَ أَصْحَابِ الْمَقَامَاتِ وَ الْكِرَامَاتِ خَيْرٌ مَقَاماً ﴿وَ أَحْسَنُ مَقِيلاً﴾^٢؛ الْأَبْرَارُ فِيهِ يَأْكُلُونَ وَ يَشْرَبُونَ، وَ الْأَحْرَارُ مِنْهُ يَفْرَحُونَ وَ يَطْرُبُونَ، وَ هُوَ كَنْبَلٌ مِصْرَ شَرَابٍ لِلصَّابِرِينَ، وَ حَسْرَةٌ عَلَى آلِ فِرْعَوْنَ وَ الْكَافِرِينَ، كَمَا قَالَ: (يُضِلُّ بِهِ كَثِيراً وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيراً)^٣ وَ إِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ^٤، وَ جِلَاءُ الْأَخْزَانِ، وَ كَشَافُ الْقُرْآنِ، وَ سَعَةُ الْأَرْزَاقِ، وَ تَطْيِيبُ الْأَخْلَاقِ ﴿بِأَيْدِي سَفَرَةٍ كِرَامٍ بَرَرَةٍ﴾^٥، يَمْنَعُونَ بِأَنْ ﴿لَا يَحْمَسَهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾^٦، تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ، ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ﴾^٧ وَ اللَّهُ يَرْصُدُهُ وَ يَرْقُبُهُ وَ هُوَ ﴿خَيْرٌ حَافِظاً وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾^٨ وَ لَهُ الْقَابُ أَخْرَجَتْهُ اللَّهُ تَعَالَى، وَاقْتَصَرْنَا عَلَى هَذَا الْقَلِيلِ وَ الْقَلِيلِ يَدُلُّ عَلَى الْكَثِيرِ، وَالْجُرْعَةُ تَدُلُّ عَلَى الْغَدِيرِ، وَ الْحَفْنَةُ تَدُلُّ عَلَى الْبَيْدَرِ الْكَبِيرِ.

١. پاره‌ای از آیه ۳۵ سوره نور است. (نگاه کنید به پانوشت ۵ صفحه ۳۶۶)

٢. پاره‌ای از آیه ۲۴ سوره فرقان است. ٣. پاره‌ای از آیه ۲۶ سوره بقره است.

٤. «شفاء الصدور» برگرفته از آیه ۵۷ سوره یونس است.

٥. آیات ۱۵ و ۱۶ سوره عبس است. ٦. آیه ۷۹ سوره واقعه است.

٧. پاره‌ای از آیه ۴۲ سوره فصلت است. ٨. پاره‌ای از آیه ۶۴ سوره یوسف است.

يَقُولُ الْعَبْدُ الضَّعِيفُ الْمُحْتَاJُ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْبَلْخِيِّ، تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ: اجْتَهَدْتُ فِي تَطْوِيلِ الْمَنْظُومِ الْمَثْنَوِيِّ الْمُشْتَمَلِ عَلَى الْغَرَائِبِ وَ التَّوَادِرِ وَ غَرَرِ الْمَقَالَاتِ، وَ دُرَرِ الدَّلَالَاتِ، وَ طَرِيقَةِ الزُّهَادِ وَ حَدِيقَةِ الْعُبَادِ، قَصِيرَةِ الْمَبَانِي، كَثِيرَةِ الْمَعَانِي، لِاسْتِدْعَاءِ سَيِّدِي وَ سَنَدِي وَ مُعْتَمَدِي وَ مَكَانِ الرُّوحِ مِنْ جَسَدِي وَ دَخِيرَةِ يَوْمِي وَ عَدِي وَ هُوَ الشَّيْخُ قُدْوَةُ الْعَارِفِينَ، إِمَامُ الْهُدَى وَ الْيَقِينِ، مُعِيثُ الْوَرَى، أَمِينُ الْقُلُوبِ وَ النَّهْيِ، وَ دِيْعَةُ اللَّهِ بَيْنَ خَلِيقَتِهِ وَ صَفْوَتُهُ فِي بَرِيَّتِهِ، وَ وَضَايَاهُ لِنَبِيِّهِ، وَ حَبَايَاهُ عِنْدَ صَفِيَّتِهِ، مِفْتَاحُ خَزَائِنِ الْعَرْشِ، أَمِينُ كُنُوزِ الْفَرَشِ، أَبُو الْفَضَائِلِ، حُسَامُ الْحَقِّ وَ الدِّينِ، حَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَنِ الْمَعْرُوفِ بِإِبْنِ أَخِي تُرْكِ أَبُو يَزِيدِ الْوَقْتِ، جُنَيْدُ الزَّمَانِ، صَدِيقُ بْنُ صَدِيقِ بْنِ صَدِيقِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ عَنْهُمْ، الْأَزْمَوِيُّ الْأَصْلِ الْمُتَنَسِّبُ إِلَى الشَّيْخِ الْمُكْرَمِ بِمَا قَالَ: «أَمْسَيْتُ كُرْدِيًّا وَ أَصْبَحْتُ عَرَبِيًّا». قَدَّسَ اللَّهُ رَوْحَهُ وَ أَرْوَاحَ أَخْلَافِهِ، فَنِعْمَ السَّلْفُ وَ نِعْمَ الْخَلْفُ؛ لَهُ نَسَبُ أَلْقَتِ الشَّمْسُ عَلَيْهِ رِءَاءَهَا، وَ حَسَبُ أَرْحَتِ النَّجُومُ لَدَيْهِ أَضْوَاءَهَا، لَمْ يَزَلْ فِنَاءَهُمْ قِبَلَةَ الْإِقْبَالِ، يَتَوَجَّهُ إِلَيْهَا بَنُو الْوَلَاةِ، وَ كَعْبَةُ الْأَمَالِ، يَطُوفُ بِهَا وَوُودُ الْعُفَاةِ؛ وَ لَا زَالَ كَذَلِكَ مَا طَلَعَ نَجْمٌ وَ دَرَّ شَارِقٌ، لِيَكُونَ مُعْتَصِمًا لِأُولَى الْبَصَائِرِ الرَّبَّاتِيْنَ الرَّوْحَانِيْنَ السَّمَائِيْنَ الْعَرْشِيْنَ التُّورِيْنَ، السُّكُوتِ النَّظَّارِ، الْغَيْبِ الْحُضَّارِ، الْمَلُوكِ تَحْتَ الْأَطْهَارِ، أَشْرَافِ الْقَبَائِلِ، أَصْحَابِ الْفَضَائِلِ: أَنْوَارِ الدَّلَائِلِ. آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

وَ هَذَا دُعَاءٌ لَا يُرَدُّ فَإِنَّهُ دُعَاءٌ لِأَصْنَابِ الْبَرِيَّةِ شَامِلٌ

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ وَحْدَهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَرَّتِهِ، وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.

[این است کتاب مثنوی، و آن اصول اصول دین است در کشف اسرار وصول و یقین. و این کتاب فقه اکبر و راه روشن و برهان آشکار خداوند است. «مثل نور آن. چراغدانی است، در آن چراغی فروزان»؛ بر تو افشاند درخشان تر از روشنی بامدادان. و این کتاب باغ بهشت دهاست. در آن چشمه‌ها و شاخسارانی، و از آن جمله چشمه‌ای که پیروان این راه سلسبیلیش^۱ نامند، و نزد صاحبان مقامات و کرامات، جایگاهی نیکو و «بهترین رامشگاه» است. نیکان در آن خورند و نوشند، و آزادگان از آن گشاده‌خاطر شوند و شادمان. و به‌سان رود نیل در مصر

۱. سلسبیل مطابق آیه ۱۸ از سوره دهر یا انسان، نام چشمه‌ای است در بهشت، و بنا بر روایات اسلامی، آبی تیزرو و خوش‌طعم دارد و سرچشمه آن از زیر عرش است.

است: شرابی برای صابرین، و حسرت و حرمانی برای فرعونیان و کافران؛^۱ چنان‌که فرمود: «گمراه کند بدان بسیاری را و به‌راه آورد بدان بسیاری را». و این کتاب شفای قلبها و زداينده اندوهان است، و رازگشای قرآن است و فراخی‌بخشنده روزیها و پیراینده اخلاق. «به‌دست نویسندگان گرامی و نیک» نوشته شده است، که «جز پاکان و پیراستگان را از نزدیک شدن به آن باز می‌دارند»، فروفرستادنی است از پروردگار جهانیان، «باطل راه نیابد بدین کتاب — نه زین پیش و نه زین پس»؛ و حق تعالی آن را از هر آسیب و گزندى نگه می‌دارد، که اوست «بهترین نگاهبان و اوست مهربان‌ترین مهربانان». و جز آنچه برشمرديم، حق تعالی لقبهای دیگر نیز بدین کتاب داده است، لیکن ما به همین اندک بسنده کردیم زیرا اندک بر بسیار دلالت کند و جرعه بر برکه و مشت بر خرمن انبوه.

چنین گوید این بنده ناتوان نیازمند به رحمت حق تعالی، محمد پسر محمد پسر حسین بلخی که خداوند تعالی این کتاب را از او قبول کند: کوشیدم در گسترده منظومه مثنوی که مشتمل است بر حکایات و لطایف شگفت و سخنان گزیده و پرمغز و رهنماییهای طرفه؛ و راه و روش پارسایان و بوستان پرستشگران است با سخنان کوتاه و معانی بسیار. و آن را به‌درخواست سرور و تکیه‌گاه و معتمد فراهم آوردم که چون پاره‌ای از تن من است که روحم در آن جای دارد، و ذخیره امروز و فردای (بخوان: دنیا و آخرت) من است. هموست آن شیخ کاملی که سرمشق عارفان و پیشوای هدایت‌شدگان و یقین‌آوردگان و فریادرس مردمان و امانتدار دها و خردها و امانت خدا در میان آفریدگان و بنده گزیده اوست در میان دیگر آفریدگان و از اوصیای خدا نزد پیامبر اوست و آگاه به اسرارى که با بنده خاصش در میان نهاد. اوست کلید گنج‌خانه عرش، امانتدار گنجینه فرش، ابوالفضایل (=دارنده فضیلتها)، حُسام‌الحق و الدین (=شمسیر حق و دین) حسن فرزند محمد فرزند حسن، معروف به ابنِ آخى تُرک،^۲

۱. نگاه کنید به قصه «لابه کردن قبطی سبطی را» در صفحه ۱۰۴۲، و نیز پیوست، ردیف ۲۱۶؛ و

نیز پانوشت ۱ صفحه ۳۱۷.

۲. حُسام الدین چلبی (حدود ۶۲۲ - ۶۸۳ قمری) از عزیزترین مریدان مولانا بود که پس از وفات وی جانشین او شد و به‌خواهش او بود که مولانا مثنوی را به‌نظم آورد. در مناقب العارفين (صفحه ۷۴۰) آمده است: «شبى حضرت مولانا را خلوت یافته سر نهاد و گفت که: "دواوين غزليات بسیار شد... اگر چنانک به‌طرز الهی نامه حکیم (مقصود حقیقه الحقیقه حکیم سنائی است) و اما به‌وزن منطق الطیر کتابی باشد تا در میان عالمیان یادگاری بماند و مونس جان عاشقان و دردمندان گردد، بغایت مرحمت و عنایت خواهد بود" ... فی‌الحال از سر دستار مبارک خود جزوی که شارح اسرار کلیات و جزویات بود به دست چلبی حُسام‌الدین داد و در آنجا هزده بیت از اول مثنوی ... بعد از آن حضرت مولانا فرمود که: "پیش از آنک از ضمیر مبارک شما این داعیه سر زند... در دلم این معانی را القا کرده بود که این نوع کتابی منظوم

ادامه پانوشت در صفحه بعد